

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ف. فرزام

۲۳ اکتوبر ۲۰۱۴

پرتو نادری، از شاعری تا مدیحه سرایی برای سلیمان لایق!

پرتو نادری، از قلم به دستان انجمن نویسندگان افغانستان در دوره حکمرانی حزب دموکراتیک خلق و از هواداران سینه چاک شورای نظار در روزگار ما، برای غلام مجدد سلیمان لایق، یکی از محیل ترین چهره های سیاسی عصر حاضر، و شاعر دولتی، ستایشنامه ای نگاشته و هرآینه، خرمهره را با زر، برابر کرده است! آقای پرتو، تملق نامه اش را در وبگاه (گزارشنامه افغانستان) منتشر ساخته است. پرتو نادری می نگارد:

« زبان لایق در بخش [بخشی] از شعر های تغزلی و غنائی اش، حال و هوای بعضی از غزل های مولانا را دارد. هر چند، این گونه شعر های او با ساختار غزل های کلاسیک هم آهنگ نیست، بلکه بیشتر به فورم مسدس همانند است که در آن ها نوع حس تغزلی با گونه ئی [گونه ای] از نتیجه گیری سیاسی – اجتماعی در می آمیزد:

ای نای من ای نای من
ای همدم شب های من
خواهم کنی رسوای من
وز گرمی آوای من
کاخ کهن لرزان شود
طرز نوین بنیان شود
*

ای چنگ من، ای چنگ من
کی واره ای از چنگ من
تا این دل از سنگ من
از گرمی آهنگ من
دریای پرتوفان [طوفان] شود
غمخانه انسان شود»
ختم نقل قول

تفسیر شتابزده ای از سخنان پرتو نادری، شاید چنین باشد که صرف وجود تعبیر های «ای نای من ، ای نای من» در منظومه سلیمان، کافی است تا «حال و هوای غزل مولوی را تداعی سازد!»

مضحک است، سلیمان ، پس از اشغال ملک و ملت در دستان برژنف، نی لیک خویش را به صدا درآورده و به سبک و سیاق مولوی، می خواسته با دمیدن بریک چوب سوراخدار ، کاخ ستم ظاهر شاهی و داوود شاهی و همه کاخ های ارتجاع را سرنگون کند!

آیا سلیمان خان لایق با این بازی ها و تفنن های ادبی، می خواسته بگوید، میان مثنوی مولوی و «سوسیالیزم علمی» رابطه ای ژرف ، یافته است ؟ بعید به نظر می رسد. این منظومه سلیمان، چیزیست فاقد درونمایه و رمز و راز یک هنر والا، یعنی یک تصنیف تقلیدی تکراریست که شاید «فرهاد دریا» هم از عهده انشاد آن بدر آید!

سلیمان لایق، برای مردم افغانستان، هیچ گاه به حیث یک شاعر یا آدمی از مقوله فرهنگ و ادب، مطرح نبوده است؛ این آدم، را همه به خاطر می آورند که «بیانیه های آتشین» در توجیه اشغال همسایه بزرگ شمالی می داد؛ گاه خلقی می شد، گاه امینی می شد، گاه کارملی می شد و چه رنگ ها و ماسک هایی که بر چهره نزد این مرد، این نامرد، در فرجام دهه پنجاه و دهه شصت خورشیدی!

این سلیمان خان لایق، که گفته می شود، در قتل سردار داوود خان نیز دست داشته است، بنیانگذار ملیشای قومی در کشور است که خاطراتی تلخ از آن در ذهن ها، رسوب کرده است. سلیمان لایق در دوران نجیب الله احمدزی، همان نقشی را بازی می کرده که، برهان الدین ربانی و صلاح الدین، پسر او، در دوران حامد کرزی به عهده داشته اند! سلیمان لایق، به حیث وزیر قبایل و رابط صلح کذائی (میان دولت نجیب و تنظیم ها)، میلیون ها افغانی پول بیت المال را، حیف و میل کرده است !

سلیمان لایق را برخی پژوهشگران، طراح پشت پرده جنگ اندازی اقوام ساکن کشور، و نیز حمایتگر ایجاد کتاب جنجالی «دویمه سقاوی» انگارند .

اما آقای پرتونادری، در شرح حال خود، اعلام داشته است که مدتی در زندان دولت خلقی ، پرچمی، به سر برده است، آیا سلیمان لایق، از تصمیم گیرندگان بلند پایه حزب حاکم دموکراتیک خلق و دولت خلقی نبوده است؛ پس چگونه، ایشان به مداحی یک شارلتان سیاسی و دلفک روزگار اشغالگران شوروی، تن در داده است. چگونه حاضر شده، بی ایمان ترین شاعر قرن را ، تبجیل کند و سخن او را با کلام بزرگانی چون نظامی گنجوی ، حافظ و مولوی، مقایسه کند؟!

آیا درست است که برداشته شدن حنیف اتمر، خادیسست سابق به پست «مشاورت امنیت ملی» در دولت به اصطلاح وحدت ملی و مصاحبه های برخی اعضای عالیرتبه حزب دموکراتک خلق در تلویزیون های داخلی و فرامرزی، به خصوص ظاهر شدن مکرر سلیمان لایق در تلویزیون سرکاری کابل، این روز ها برخی روشنفکران را به توهم افکنده است که این بار فرکسیون های خلق و پرچم، زیر سایه ایالات متحده امریکا یک بار دیگر به برپائی دولت «خلقی طراز نوین!» توفیق خواهند یافت؟

در کابل ، شایع است که تعدادی از پرچمی ها و خلقی ها، درکابینه وحدت ملی، دستپخت اضلاع متحده امریکا، حضور خواهند داشت.

فعالیت و جنب و جوش حلقات «خلق و پرچم» نیز زیاد شده و برپائی محافل «بزرگداشت» برای کارگزاران و همکاران سابق حزب دموکراتیک خلق ، این سو و آن سو، در برونمرز، نیز جلوه نمائی محسوس به خود گرفته است . نمونه ای از این احتفالات، بزرگداشت آقای لطیف ناظمی به وسیله جمعی از «خلقی ها»ی با نفوذ در ماسکو است.

تبجیل از ناظمی از سوی جنرال غلام محمد جلال، رئیس حزب ملی افغانستان که گویا سرپرست نهادی به نام «مرکز کاری افغان ها در ماسکو» است، نشان می دهد، زیر کاسه، نیم کاسه است!

جنرال جلال، همان است که در ماه های واپسین سال ۱۳۹۲ خورشیدی، گویا می خواست با حمایت ژیرنوفسکی، عضو پارلمان و رهبر حزب سوسیال دموکرات روسیه، در کابل، دست به کودتا بزند و حکومت کرزی را ساقط سازد!

به هر حال برای مردم ما، هرگز سلیمان لایق، به عنوان شاعر، مطرح نبوده، اما به عنوان رجل سیاسی که دیروز در راه منافع شوروی، خواب راحت را بر خویش، حرام کرد و امروز چکمه اشغالگران امریکائی را می بوسد، از دیرباز آماج شماتت عامه است.